

مباحث نظری فلسفی



پروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

زیبایی ضمیر هنرمند

زیبایی اثر هنری

متن سخنرانی آقای مهندس
سید مصطفی میر سلیم وزیر فرهنگ و
ارشاد اسلامی در مراسم افتتاح دومین
نمایشگاه سراسری هنری دانشجویی
موزه هنرهای معاصر ۷۴/۱۱/۱۲



حضور در میان هنرمندان جوان و دانشجویان هنرمند
کشورمان برای من فرصتی مغتنم است. گره خوردن
دانش با هنر چشم انداز روشنی را از تعمیق مضامین آثار
هنری کشور ترسیم می کند، و برگزاری نمایشگاه
دانشجویی هنری، گام استواری است در همین مسیر؛
زیرا زمینه رقابت سالم و سازنده صاحبان آثار هنری و
بیز شیوه های آموزش مراکز مختلف را فراهم می آورد و
موجب رونق فعالیت های هنری می شود. از خلال همین
مضاف علمی - هنری، استعداد های تازه نیز کشف و
معرفی می شوند.

امروز علم به هنر تقرّب می‌جوید و هنر به معنویت؛ به‌علاوه ایران اسلامی در این دوران کانون نورانی و معنوی دنیاست؛ و این مسئولیت و رسالت هنرمندان ما را مضاعف می‌کند، هرچند که از گذشته‌های دور هنرمندان ما سرآمد معاصران خود بوده و اکنون نیز محور توجهات هنری دنیایند. آنچه به هنرمندان ما ویژگی ممتاز می‌بخشد همت و همیت آنان است، که یکی در چنگ‌زدن به ریسمان علم و دیگری در اعتماد به کارآیی‌های پژوهش تبلور می‌یابد. آنان توانسته‌اند به شایستگی هنر را در ذیل مضامین متعالی تحقق بخشند. با این که کیفیت بیش‌تر آثار هنری امروز دنیا از شدت ضعف رنجور است، هنرمند ما محتوایی ویژه را در قالب آفرینش‌های هنری خود می‌ریزد؛ یعنی هنرمند ما گزینش می‌کند و با انتخاب خود هویت خویش را به‌ثبت می‌رساند. عدول از چنان محتوایی به‌معنای انکار هویت آفریننده اثر هنری و پوچی اثر آفریده‌شده است. هنرمندان ما حتی برای بیان معنا و محتوای اندیشه و احساس خود هر قالبی را برنمی‌گزینند. زیرا به‌خوبی می‌دانند که هنر اصیل هنری است که هم محتوا و هم قالبی اصیل و درخور داشته باشد، همان‌گونه که در شعر ما و معماری قدیم ما و حتی در نواها و سرودهای ما منعکس است. آفرینندگان این آثار نه‌تنها آرمان‌ها و اندیشه‌های متعالی را زمینی نکرده‌اند بلکه واقعیت‌های روزمره و صورت و شکل را نیز هویتی آرمانی بخشیده‌اند:

مِرغ باغ ملکوتم نیم از عالم خاک

چند روزی قفسی ساخته‌اند از بدنم
و این در متن آموزه‌های قرآنی ما جای دارد. از منظر اسلام، جهان و آنچه در آن است آیه‌اند و نشان «او» را بر خود دارند. إِنَّ فِي كُلِّ ذَلِكَ لَكُم آيَةٌ. این آثار همان عیلامی‌اند که او را نشان می‌دهند، به او ختم می‌شوند ولی از خود استقلال ندارند؛ و نه‌تنها استقلال بلکه اصلاً وجودی ندارند. مگر آن که پرتوهای انوار لطف

حق بر آنان جودی کند و هستی‌شان بخشد. هنرمند ما این حقیقت را می‌داند. او خود حامل آیات الهی است و بر این آیات و نشانه‌ها و نیز بر اسباب تقرّب به حق آياتی را، یعنی آثار هنری منزّه خویش را، می‌افزاید. بیش‌تر این آثار به‌واقع کشف‌المحجوب‌اند و ورای حجاب‌های نورانی و ظلمانی، حقیقت را می‌جویند و می‌نمایانند. الهی هب لی کمال الانقطاع الیک حتی تَحْرِقَ أَبْصَارَ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعَظْمَةِ. کمال انقطاع یعنی آزادگی. یعنی همان فوزی که ما نیز باید به دنبالش باشیم و حیات خویش را با آن تفسیر کنیم. همان مفهوم گوه‌رینی که در کلام قدسی مولی علی علیه‌السلام و در واپسین دقایق عمر آن حضرت می‌یابیم. فُزْتُ وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ. هنر پیش از هر چیز حاکی از مافی‌الضمیر هنرمند است و آنچه بی‌درنگ در اثر هنری جلوه می‌کند آزادگی هنرمند است. هنرمندی که آزاده نباشد و به جلوه‌های رنگارنگ دنیا تعلق داشته باشد، نه می‌تواند آیات الهی را کشف کند و نشانه‌های او را ببیند و نه خود می‌تواند آفریننده نشانه و «اشاره‌ای به او» باشد.

آزادگی یعنی:

دیگران را نیاززدن و از آزار دیگران مصون بودن؛

دیگران را زجر ندادن و از زجرکشیدن از دیگران در امان بودن؛

به دیگران بی‌احترامی نکردن و از بی‌احترامی دیگران مصون بودن؛

به دیگران زور نگفتن و از زورگویی دیگران در امان بودن؛

دیگران را وادار نکردن و از وادارشدن به‌وسیله دیگران مصون بودن؛

دیگران را از نظر فکری محدود نکردن و از اعمال محدودیت‌های فکری؛ به‌وسیله دیگران در امان بودن؛

برای دیگران مشکل نیافریدن و از مشکلات ناشی

از دیگران مصون بودن؛

وارد حریم غیر نشدن و از ورود بدون انس دیگران به حریم خود در امان بودن.

زیبایی، حُسن و لطف خداوندی است و این حُسن و لطف بر زمینه‌ای قابل و لایق می‌نشیند. هنرهای تجسمی و معماری از هنر دوران نوزایی (رنسانس) به بعد، غالباً، هنر خودمحوری است. هنری است که نسبت و تعلق خود را به حقیقت فراموش کرده است، در نتیجه خود هنرمند گم‌گشته و سرگردانِ وادی و بیل است. لا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ قُرْآنَ كَرِيمٍ می‌فرماید کسانی که خدا را فراموش کردند خدا نیز آنان را از یاد خودشان بُرد. یعنی خویشستن خویش را نیز به فراموشی سپردند.

برای این که آثارمان هویت متعالی بیابد باید خود را بیابیم، نسبت خود را با حق بفهمیم و به آرمان متعالی حیات تمسک بجوئیم. متأسفانه این حقیقت را در پیش‌تر آثار هنری امروز دنیا نمی‌بینیم. تمامی هنر این آثار در آن خلاصه می‌شود که بشر را به دنیا پایبندتر و تعلق او را به امور میرا قوی‌تر می‌کنند؛ حال آن‌که فاصله هنر امروز دنیا تا دین فاصله‌ای است از زمین تا به آسمان. ادیان الهی برای شفافیت و وضوح آینه دل آدمی آمده‌اند، و چنان آثاری این آینه را با یأس و بدبینی کیدر می‌سازند. ادیان الهی بر توان بالقوه آدمی برای رشد و کمال تأکید دارند، و آن آثار از ضعف و سرخوردگی بشر حکایت می‌کنند و باعث می‌شوند تا زندگی انسان هرچه پیش‌تر با مادی‌گری تجاری عجین شود و از کیفیات اجلالی غافل ماند.

معرفت به نفس و تأمل در زوایای پنهان روح آدمی این مطلب را به اثبات رسانده است که اگر خلاقیتی وجود دارد آن خلاقیت در پرتو بازگشت به سنت‌ها و متأثر معنوی آشکار می‌شود و بس. اما به تعبیر علامه اقبال لاهوری پیش از هر چیز باید «دیدنی دیگر آموزیم و شنیدنی دیگر».

به آثار ارزشمند گذشته‌مان نگاه کنید. ببینید چگونه آن‌ها قوالب عرفی زمان و مکان درهم می‌شکنند و زیبایی ضمیر هنرمند، خود را فاش می‌سازد. گویی آنچه استاد آزل می‌گفته اینان می‌کشیده‌اند و نه آنچه را که در واقعیت معهود وجود داشته است. آن‌ها یک عالم مخلوق ذهن خود را ترسیم نمی‌کردند؛ عالمی مجرد و مخصوص به خود. بلکه آن‌ها با آثار خود به کشف عالمی دیگر می‌رسیدند و می‌رساندند. آنان زیبایی ضمیر خویش را با زیبایی اثر هنری خویش منعکس می‌ساختند. و همین مشخصه بود که آن آثار را ممتاز می‌ساخت.

هنرمند ایرانی با روح اشیا سروکار دارد، نه با خواص ظاهری آن‌ها. الهی آرِنِ الاشياءَ كما هي. در واقع خیال‌پردازی سرشار این آثار و گره خوردن آن‌ها با هنری به غایت غسنی، یعنی ادبیات فارسی، باعث جاودانگی‌شان شد.

هنرمندان گذشته ما به عمد علم مناظر و مَرایا (پرسپکتیو) را نادیده می‌گرفتند. زیرا روح کمال‌طلب و بی‌قرارشان در چارچوب تنگ ابعاد ماده نمی‌گنجید. چنین نیست که این علم را ندانسته و از آنچه به ظاهر نقص می‌نماید غافل بوده باشند. نه تنها علم مناظر و مَرایا که رنگ‌ها نیز در آن آثار، بدیع و منحصر به فردند؛ رنگ‌هایی درخشانند و بی‌نظیر که فقط در همین آثار می‌توانیم بیابیم. حتی نورشان نیز آن نوری نیست که ما همواره می‌بینیم. هنرمندان ما برخلاف بعضی از هنرمندان امروز دنیا از سیاهی و ظلمت می‌گریختند و به نور و سپیدی تمسک می‌جُستند. ببینید شب در آثارشان چگونه از روز روشن‌تر ترسیم می‌شود. این امر عجیب نیست. چرا که هنرمندان ما با معنویت مأنوس بوده‌اند و با بصیرت الهی می‌دیده‌اند. در جوار انوار حق، تاریکی و سیاهی و یأس و پوچی بی‌معنا و باطل است.

غناي فرهنگ و هنر ما انکارناپذیر است. گستردگی و تنوع فعالیت‌ها در رشته‌ها و عرصه‌های مختلف

از استادان، دانشجویان هنرمند، هیأت داوران و برگزارکنندگان این نمایشگاه صمیمانه سپاسگزارم و توفیق روزافزون تمامی هنرمندان شرکت‌کننده در این دو سالانه را از خدای بزرگ مسئلت دارم.
والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

هنرهای کشور شاهد این مدعاست. این امر اهمیاتی ویژه برای آموزش فنون هنری و پرورش دید زیباشناسانه افراد می‌طلبد و مسئولیتی خطیر بر دوش وزارت آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و آموزش عالی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌گذارد! باید در محتوای دروسی که در مراکز آموزش هنر تدریس می‌شود، تجدیدنظر کرد. حتی باید روش‌های موجود تعلیم هنر، که با شیوه‌های پسندیده قدمای ما تفاوت دارد، بازبینی و واریسی شود و به جبران خلاء ارزیابی آموزشی نیز بپردازیم. هدف آموزش‌های دانشگاهی ما در این زمینه می‌تواند با اجتناب از مدرک‌گرایی صرف، شکوفایی هنر ایران باشد و موجب رشد و ظهور هنرمندانی توانا شود.

باید اضافه کنم که داوران و ارزش‌گذاری‌هایی که در این قبیل نمایشگاه‌ها صورت می‌گیرد مطلق نیست و البته آثاری ارزشمند از دیگر دانشجویان هنرمند نیز وجود دارد که به نمایشگاه راه نیافته و به رؤیت داوران نرسیده است.

علی‌رغم تقارن برپایی نمایشگاه با امتحانات، استقبال شما عزیزان مایه دلگرمی مسئولان هنری کشور است. امیدوارم این‌گونه فعالیت‌ها به عرصه رقابتی گسترده‌تر بین دانشجویان هنرمند ما و دیگر دانشجویان کشورهای مسلمان منطقه و آسیا تبدیل شود. ما برای پایداری و حفظ هویت خود و علاج آسیب‌های گوناگون فرهنگی باید از آشخور سنت و میراث فرهنگی خودمان سیراب شویم. نمایشگاه‌هایی از نوع دومین نمایشگاه دانشجویی - هنری سراسر کشور باید مشوق بازگشت به سنت‌ها و فرهنگ خودی باشند و با فراهم آوردن امکانات بیش‌تر و توسعه فضاهای نمایشگاهی در مجتمع‌های فرهنگی - هنری، نگارخانه‌ها و فرهنگسراهای سراسر کشور (که خوشبختانه شاهد تحقق آن هستیم) به هنرمندان امکان دهند تا آثار بیش‌تری را در معرض دید مردم قرار دهند.